

پژوهش‌های تربیتی و روانشناختی
دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه اصفهان
سال سوم، شماره دوم، شماره پیاپی ۸، پائیز و زمستان ۱۳۸۶
ص ۱۰۵-۱۲۰

شناسایی عوامل مؤثر بر فرار دختران و بررسی رابطه این عوامل با اختلالات روانی آنان در استان خوزستان

دکتر عبدالکاظم نیسی، دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران
Kazem23@yahoo.com
دکتر جمال حقیقی، دانشیار دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران
مصطفی پرهیزکار، کارشناس ارشد رشته روانشناسی تربیتی

چکیده

هدف این مطالعه شناسایی عوامل مؤثر بر فرار دختران و بررسی ارتباط این عوامل با اختلالات روانی آنان در استان خوزستان است. در این پژوهش تعداد ۱۵۰ نفر از دختران فراری که به مراکز بهزیستی استان خوزستان ارجاع داده شده بودند، به عنوان نمونه تحقیق انتخاب گردیدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه شناسایی عوامل مؤثر بر فرار و فرم کوتاه پرسشنامه MMPI استفاده گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش تحلیل عاملی، ضریب همبستگی و رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج تحقیق نشان داد که دو عامل در فرار دختران دخیل است: عامل اول که با عنوان انحرافات اجتماعی-اخلاقی خانواده نامگذاری شد، دارای ۱۹ ماده است و ۱۹/۷۹ درصد واریانس متغیر فرار را تبیین می‌کند. در این عامل، اولین ماده عبارت از مهاجرت و جابجایی محل زندگی با بار عاملی ۷/۹ و آخرین ماده طلاق والدین با بار عاملی ۲۰/۱ است. عامل دوم که با عنوان ناپسامانی خانواده نامگذاری شد، دارای ۱۴ ماده است و ۷/۸۹ درصد واریانس متغیر فرار را تبیین می‌کند. اولین ماده در این عامل عبارت از وجود درگیری و جر و بحث فراوان در خانواده، با بار عاملی ۶۰/۱ و آخرین ماده تحت عنوان دوستی با جنس مخالف، با بار عاملی ۲۰/۱ است. همچنین نتایج تحقیق نشان داد که بین عامل اول و اختلال اسکیزوفرنی رابطه مثبت معنی دار وجود دارد. بین عامل دوم و اختلالات شخصیت ضد اجتماعی، هیپومان، ضعف روانی و اسکیزوفرنی نیز رابطه مثبت یافت شد. نتایج تحلیل رگرسیون در این تحقیق نیز نشان داد که از بین دو عامل مؤثر در فرار دختران، عامل دوم یا ناپسامانی خانواده به عنوان عامل پیش‌بینی‌کننده اختلالات شخصیت ضد اجتماعی، هیپومان، ضعف روانی و اسکیزوفرنی است.

واژه‌های کلیدی: دختران فراری، اختلالات روانی، عوامل مؤثر بر فرار دختران

مقدمه

توسعه زندگی شهری، گسترش بی رویه جمعیت و مهاجرت از روستاها به شهرهای بزرگ باعث افزایش کمی و کیفی آسیب‌های اجتماعی شده است (فخرائی، ۱۳۸۲). به طور کلی، آسیب اجتماعی به مطالعه بی نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی اطلاق می‌شود (سلیمی و داوری، ۱۳۸۰). وقتی که آمار جرم و بزهکاری از حد معینی در جامعه فراتر رفت، می‌توان از آن به عنوان آسیب اجتماعی نام برد (محمدی، ۱۳۸۳). یکی از مصادیق آسیب‌های اجتماعی فرار از خانه است. در طی دو دهه اخیر، همراه با تحول کشورها و رشد شهرنشینی، پدیده فرار از خانه و کودکان خیابانی نیز افزایش یافته است (بوس^۱، ۱۹۹۴). از معضلات و نگرانی‌هایی که امروزه در جامعه شیوع پیدا کرده، فرار دختران از خانه است که باعث ایجاد نگرانی بین خانواده‌ها و مصلحان اجتماعی شده است. دختر یا زنی که از خانه فرار می‌کند، به احتمال بسیار زیاد دچار انواع انحرافات اجتماعی، مانند اعتیاد، مصرف مشروبات الکلی، سرقت، انحرافات اخلاقی، تشکیل باندهای قاچاق انسان و... می‌گردد (محمدی، ۱۳۸۳). با توجه به اینکه فرار دختران از منزل باعث سست شدن پایه‌های قانون خانواده می‌گردد، پژوهش در این زمینه از اهمیت فراوانی برخوردار است. لذا در پژوهش حاضر عوامل مؤثر بر فرار دختران از خانواده و ارتباط این عوامل با برخی از اختلالات روانی بررسی شده است. در خصوص آمار دختران فراری، مرکز مداخله در بحران بهزیستی استان کردستان (۱۳۸۱) معتقد است که آمارهای رسمی فقط مربوط به دستگیر شدگان است که تنها ۸/۵ درصد افراد فراری را شامل می‌شود و آمار واقعی افراد فراری حداقل ۱۰ تا ۱۱ برابر آمارهای موجود است.

ویت بک^۲، هویت^۳ و یودر^۴ (۱۹۹۹) معتقدند که کودکان و نوجوانانی که در خانواده‌های نابسامان رشد می‌کنند و یا مورد سوء استفاده جنسی قرار می‌گیرند، از خانه فرار می‌کنند و به دام فحشا و روسپیگری کشانده می‌شوند. همچنین، ترنی^۵، هویت، ویت بک و یودر (۲۰۰۶) طی تحقیق خود نشان دادند که سوء استفاده خانواده از فرزندان، یکی از عوامل مؤثر در فرار نوجوانان

1. Bos
2. Whitbeck
3. Hoyt
5. Thrane
4. Youder
5. Thrane

از خانه است. فخرایی (۱۳۸۲) معتقد است که پدیده فرار از خانه روند رو به رشدی دارد و ۸۴ در صد افراد فراری دچار اختلال سلوک، اختلال شخصیت مرزی و اختلال شخصیت ضد اجتماعی هستند و حدود ۴۰ در صد آنان در نوجوانی مورد سوء استفاده جنسی قرار گرفته اند. کید^۱ و کرال^۲ (۲۰۰۲) در تحقیقات خود نشان دادند که ۶۰ درصد از فراریان احساساتی مانند طرد، انزوا، فقدان کنترل و احساس کم ارزشی در محیط خانواده را به عنوان عامل اصلی فرار خود قلمداد کرده اند و معتقدند که بد رفتاری و خشونت جسمی از دلایل اصلی فرار آنان بوده است. محبی (۱۳۸۱) اعتقاد دارد که فراریان در خانواده هایی زندگی می کنند که در آنها خشونت و تبعیض شدت رواج دارد و از لحاظ کنترل فرزندان یا دارای آزادی مطلق و یا دارای محدودیت مطلق هستند. روشنائی (۱۳۸۱) خاطر نشان می کند که اعتماد به نفس دختران فراری نسبت به دختران عادی کمتر است، افسرده و دروغگو هستند، لجوج و گستاخ و دارای شخصیت ضد اجتماعی هستند و به دیگران واکنشهای منفی نشان می دهند. برخی پژوهش ها نشان داده اند که نوجوانان فراری در مقایسه با نوجوانان غیر فراری افسرده تر هستند (دیمن^۳، ۲۰۰۰، مندی^۴). کافمن^۵ و ویدوم^۶ (۱۹۹۹) طی مطالعات متعدد خود دریافتند که یکی از عوامل اثرگذار در افسردگی نوجوانان فراری، سوء رفتار و عدم توجه خانواده به آنها بوده است. همچنین، چان^۷ و سپرینگر^۸ (۲۰۰۵) طی مطالعه خود در مورد نوجوانان فراری از خانواده نشان دادند که روابط بد خانواده و آزار و اذیت والدین نسبت به نوجوانان عامل افسردگی آنها بوده است. وایت بک، جانسون^۹، کورت^{۱۰}، هویت و کوس^{۱۱} (۲۰۰۴) طی تحقیق خود در مورد بررسی شیوع اختلالات روانی در جوانان فراری به این نتیجه رسیدند که میزان شیوع اختلالات روانی در نوجوانان فراری شش برابر بیشتر از نوجوانان غیر فراری بوده است. مطالعات اخیر انجام شده بیان می کنند که پیش

1. Kidd
2. Kral
3. DeMan
4. Mundy
5. Kaufman
6. Widom
7. Chun
8. Springer
9. Johnson
10. Kurt
11. Cauce

بینی‌کننده‌های فرار نوجوانان از خانواده شامل جنس، سن، مذهب و ساختار خانواده است (والر^۱ و همکاران، ۲۰۰۶).

اهداف پژوهش حاضر عبارت از شناسایی عوامل مؤثر بر فرار دختران و بررسی رابطه بین این عوامل و اختلالات روانی آنهاست. تحقیق حاضر به دنبال یافتن پاسخ به دو سؤال زیر است:

۱- عوامل مؤثر بر فرار دختران کدامند؟

۲- آیا بین عوامل مؤثر بر فرار و اختلالات روانی دختران رابطه‌ای وجود دارد؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است. نمونه مورد مطالعه ۱۵۰ نفر دختر فراری هستند که به مرکز بهزیستی استان خوزستان ارجاع داده شده، به روش سرشماری انتخاب گردیدند.

ابزار پژوهش

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها از دو پرسشنامه استفاده گردید. پرسشنامه اول که عوامل مؤثر بر فرار را بررسی می‌کند، توسط پژوهشگران ساخته شد. برای ساخت این پرسشنامه، ابتدا یک سوال باز در مورد علل فرار، به دختران فراری موجود در مراکز بهزیستی داده شد، سپس با توجه به پاسخهای داده شده، پرسشنامه نهایی تکمیل گردید و به تعدادی از این دختران برای رفع هرگونه ابهام در سؤاها ارائه شد و بعد از اصلاحات، فرم نهایی آن آماده گردید. این پرسشنامه شامل ۳۴ ماده است و هر ماده دارای پنج گزینه جواب بر اساس مقیاس لیکرت است. ضریب پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۳ محاسبه گردید. پرسشنامه دوم که برای بررسی اختلالات روانی به کار رفت، فرم کوتاه ۷۱ سؤالی MMPI^۲ است. این آزمون ۳ مقیاس روایی و ۸ مقیاس بالینی دارد که شامل افسردگی، خود بیمار انگاری، هیستری، شخصیت ضد اجتماعی، پارانویا، ضعف روانی، اسکیزوفرنی و هیپومانیا است. فرم اولیه این پرسشنامه در سال ۱۹۳۷ توسط مک کین لی^۳ ساخته شد (مارنات، ۱۹۹۰، ترجمه پاشا شریفی و نیکخو، ۱۳۷۵)

1. Waller
2. Minnesota Multiphasic Personality Inventory
3. Mckinley

شناسایی عوامل مؤثر بر فرار دختران و بررسی رابطه این عوامل با اختلالات ... / ۱۰۹

و فرم کوتاه آن توسط اخوت و دانشمند در سال ۱۳۷۵ بر روی نمونه های ایرانی مورد مطالعه قرار گرفت. این پژوهشگران روایی آزمون را مطلوب و پایایی آن را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۷۸ گزارش کردند. روایی این آزمون نیز از طریق همبسته کردن نمره های خرده مقیاس های آن با نمره SCL-90-R توسط یاراحمدی (۱۳۷۶) بر روی نمونه های خوزستانی بررسی شده است. ضرایب اعتبار خرده مقیاس ها در این مطالعه بین ۰/۲۹ تا ۰/۵۶ متغیر بوده است و کلیه ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند. در مطالعه حاضر برای تعیین ضریب پایایی این آزمون از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید. ضرایب پایایی خرده مقیاس های این آزمون در پژوهش حاضر در جدول شماره ۱ نشان داده شده اند.

جدول ۱: ضرایب پایایی خرده مقیاس های MMPI در پژوهش حاضر

مقیاس ها	افسردگی	خود بیمار انگاری	اسکیزوفرنی	ضعف روانی	شخصیت ضد اجتماعی	هیپومانی	هیستری	شخصیت پارانویا
ضریب پایایی	۰/۷۵	۰/۷۰	۰/۷۹	۰/۸۱	۰/۷۸	۰/۷۲	۰/۶۸	۰/۷۵

یافته های جدول ۱ نشان می دهند که ضرایب پایایی از لحاظ روانسنجی مقادیر قابل قبولی هستند.

یافته های توصیفی تحقیق

جدول ۲: توزیع آزمودنیها بر حسب سن

سن به سال	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
۱۳-۱۶	۳۴	۲۲/۷	۲۲/۷
۱۷-۲۰	۵۹	۳۹/۳	۶۲
۲۱-۲۴	۲۷	۱۸	۸۰
۲۵-۲۸	۲۰	۱۳/۳	۹۳/۳
۲۹-۳۲	۸	۵/۳	۹۷/۷
۳۳-۳۶	۲	۱/۳	۱۰۰
جمع کل	۱۵۰	۱۰۰	

همان طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، ۶۲ درصد آزمودنیها زیر ۲۰ سال سن دارند و ۳۸ درصد بقیه بالای ۲۰ سال سن دارند. به عبارتی، اکثر دختران فراری در سنین نوجوانی قرار دارند.

جدول ۳: توزیع آزمودنی‌ها بر حسب میزان تحصیلات

میزان تحصیلات	فراوانی	درصد	درصد تراکمی
بی سواد	۱۷	۱۱/۳	۱۱/۳
ابتدایی	۴۵	۳۰	۴۷/۵
راهنمایی	۵۶	۳۷/۳	۷۸/۸
دبیرستان	۲۲	۱۴/۷	۹۳/۵
دیپلم	۹	۶	۹۹/۵
لیسانس	۱	۰/۵	۱۰۰
جمع کل	۱۵۰	۱۰۰	

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهند که ۱۱/۳ درصد آزمودنیها بی سوادند. از بقیه آزمودنیها، به ترتیب ۳۰ درصد، ۳۷/۳ درصد و ۱۴/۷ درصد دارای تحصیلات ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان هستند. از میان افراد مورد مطالعه، ۶ درصد واجد دیپلم دبیرستان و فقط یک نفر دارای مدرک لیسانس است.

یافته‌های مربوط به سؤال اول تحقیق

سؤال اول تحقیق عبارت از این بود که عوامل مؤثر بر فرار دختران در استان خوزستان کدامند؟ به منظور پاسخگویی به سؤال اول و شناسایی عوامل مؤثر بر فرار دختران، تحلیل عاملی بر روی داده‌ها انجام گرفت. قبل از هر چیز، مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل و همچنین کفایت نمونه بررسی گردید. در این رابطه از دو آزمون استفاده شد: آزمون اول، آزمون بارتلت بود که مقدار آن در این تحقیق برابر با ۱۸۹۷/۴۸۶ بود که در سطح ۰/۰۰۱ معنادار و نشان دهنده مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل است. آزمون دوم آزمون KMO است که هر گاه مقدار آن بیش از ۰/۶۰ باشد، نشان دهنده کفایت نمونه برای تحلیل است. در این پژوهش مقدار KMO برابر ۰/۷۳ است.

شناسایی عوامل مؤثر بر فرار دختران و بررسی رابطه این عوامل با اختلالات ... / ۱۱۱

که نشان دهنده کفایت نمونه مورد مطالعه است. به منظور تشخیص تعداد عوامل از آزمون اسکری استفاده گردید. با استفاده از این آزمون، دو عامل به عنوان عوامل مؤثر بر فرار دختران با ارزش ویژه بالاتر از ۲ تشخیص داده شدند.

به منظور بررسی میزان تأثیر و اهمیت هر یک از عوامل در فرار دختران از شاخصهای آماری، از قبیل: ارزش ویژه و درصد واریانس تبیین شده استفاده شد. این شاخص ها همراه با دیگر شاخصهای توصیفی در جدول شماره ۴ نشان داده شده اند.

جدول ۴: میانگین، انحراف معیار، ارزش ویژه، درصد واریانس

تبیین شده و تعداد ماده هر یک از عوامل

عامل	۱	۲	جمع دو عامل
میانگین	۱۶/۴۱	۳۱/۶۲	۴۸/۰۳
انحراف معیار	۱۴/۳۳	۱۲/۹۶	۲۷/۲۹
ارزش ویژه	۶/۷۳	۲/۶۸	
درصد واریانس تبیین شده	۱۹/۷۹	۷/۸۹	۲۷/۶۹
تعداد ماده ها	۱۹	۱۴	۳۳

همان طور که در جدول ۴ نشان داده شده است، عامل اول با میانگین ۱۶/۴۱، انحراف معیار ۱۴/۳۳ و ۱۹ ماده، ۱۹/۷۹ درصد واریانس تبیین شده را به خود اختصاص داده است. عامل دوم با میانگین ۳۱/۶۲، انحراف معیار ۱۲/۹۶ و ۱۴ ماده، ۷/۸۹ درصد واریانس تبیین شده را سبب شده است. ضمناً یک ماده از ۳۴ ماده پرسشنامه در تحلیل حذف شده است. نکته قابل توجه در این تحلیل این است که به دلیل تشابه زیاد پاسخ آزمودنیها و عدم تنوع در پاسخگویی به ماده های پرسشنامه، واریانس تبیین شده دو عامل نسبتاً پایین است. به منظور آگاهی از اهمیت تک تک ماده ها در هر عامل، بار عاملی آنها نیز بررسی قرار گرفته است. ماده های هر عامل همراه با بار عاملی آنها در جدول ۵ درج شده است.

جدول ۵: ماده های عامل اول و دوم و بار عاملی آنها

بار عاملی	ماده های عامل دوم (نابسامانی خانواده)	بار عاملی	ماده های عامل اول (انحرافات اجتماعی-اخلاقی خانواده)
۰/۶۰۲	وجود درگیری و جر و بحث فراوان در خانواده خصوصا بین والدین	۰/۷۹۹	مهاجرت و جابه‌جایی محل زندگی
۰/۵۹۸	جمعیت زیاد خانواده و عدم تامین نیازها	۰/۱۷۵	مشاهده فیلمهای ویدیویی و ماهواره ای
۰/۵۶۸	بدرفتاری و کتک کاری توسط مادر یا نامادری	۰/۹۶۸	درگیری با مدرسه و فشار والدین جهت تحصیل
۰/۵۶۵	عدم توجه خانواده و کمبود محبت	۰/۹۶۳	محکومیت کیفری والدین
۰/۵۵۴	تبعیض قابل شدن بین فرزندان	۰/۶۲۶	بیکار شدن والدین
۰/۵۵۱	بدرفتاری و کتک کاری توسط پدر یا ناپدري	۰/۵۸۶	سخت گیری افراطی
۰/۵۱۷	داشتن اختلاف نظر با سرپرست خانواده	۰/۵۳۶	مورد سوء استفاده قرار گرفتن (تشویق برای خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات الکلی)
۰/۴۷۲	احساس استقلال	۰/۵۱۸	انحراف اخلاقی والدین
۰/۳۷۹	فقر و محرومیت شدید اقتصادی	۰/۴۷۲	داشتن سابقه بیماری روانی
۰/۳۶۷	کنجکاوی و انجام تجربه های جدید	۰/۴۶۳	بیماری روانی والدین
۰/۳۶۵	احساس عدم وجود امنیت در خانواده	۰/۴۱۵	آزار و اذیت جنسی توسط پدر، برادر و یا یکی دیگر از اقوام
۰/۳۲۱	کتک کاری و آزار توسط برادر بزرگتر	۰/۴۱۱	بدرفتاری و کتک کاری سرپرست(عمو، دایی، مادر بزرگ و..)
۰/۲۹۲	مجبور شدن به انجام رابطه خلاف اخلاق با افراد غریبه جهت کسب درآمد	۰/۳۹۸	اعتیاد والدین
۰/۲۰۸	دوستی با جنس مخالف	۰/۳۹۷	مصرف مشروبات الکلی در خانواده
		۰/۳۹۱	مجبور شدن به کار خارج از خانه
		۰/۳۶۴	محدودیت های شدید در خانواده و کنترل رفت و آمد
		۰/۲۵۶	فوت والدین
		۰/۲۰۸	ازدواج تحمیلی
		۰/۲۰۴	طلاق والدین

همان طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، ماده مهاجرت و جابه‌جایی محل زندگی در عامل اول، بیشترین بار عاملی و ماده طلاق والدین کمترین بار عاملی را دارد. در عامل دوم، ماده وجود درگیری و جر و بحث فراوان در خانواده، خصوصا والدین بیشترین بار عاملی و ماده دوستی با جنس مخالف کمترین بار عاملی را دارد.

شناسایی عوامل مؤثر بر فرار دختران و بررسی رابطه این عوامل با اختلالات ... / ۱۱۳

با توجه به محتوای ماده های مربوط به عامل اول، این عامل به عنوان انحرافات اجتماعی - اخلاقی خانواده نامگذاری شد. همچنین با توجه به محتوای ماده های مربوط به عامل دوم، این عامل به عنوان نابسامانی خانواده نامگذاری گردید.

یافته های مربوط به سؤال دوم تحقیق

این یافته ها در جدول های شماره ۶ و ۷ درج شده اند.

جدول ۶: ضرایب همبستگی بین عامل اول و اختلالات روانی آزمودن ها

تعداد افراد نمونه	سطح معناداری	ضریب همبستگی	شاخص آماری	متغیر پیش بین
			متغیرهای ملاک	
۱۵۰	۰/۶۹۲	۰/۰۳۳	افسردگی	عامل اول (انحرافات اجتماعی - اخلاقی خانواده)
۱۵۰	۰/۸۸۰	۰/۰۱۲	خود بیمار انگاری	
۱۵۰	۰/۷۵۰	۰/۰۲۶	هیستری	
۱۵۰	۰/۰۷۷	۰/۱۴۵	شخصیت ضد اجتماعی	
۱۵۰	۰/۲۲۴	۰/۱۰	شخصیت پارانوییدی	
۱۵۰	/۱۳۴	۰/۱۲۳	ضعف روانی	
۱۵۰	۰/۰۲۷	۰/۱۸۱	اسکیزوفرنی	
۱۵۰	۰/۳۱۲	۰/۰۸۳	هیومانی	

یافته های جدول ۶ نشان می دهند که عامل اول یا انحرافات اجتماعی - اخلاقی خانواده تنها با اختلال اسکیزوفرنی رابطه مثبت معناداری دارد و با بقیه اختلالات علی رغم داشتن همبستگی مثبت، فاقد روابط معنادار است.

جدول ۷: ضرایب همبستگی بین عامل دوم و اختلالات روانی آزمودنیها

تعداد افراد نمونه	سطح معناداری	ضریب همبستگی	شاخص آماری	متغیر پیش بین
			متغیرهای ملاک	
۱۵۰	۰/۱۸۴	۰/۱۰۹	افسردگی	عامل دوم (نابسامانی خانواده)
۱۵۰	۰/۰۸۱	۰/۱۴۳	خود بیمار انگاری	
۱۵۰	۰/۰۷۸	۰/۱۴۴	هیستری	
۱۵۰	۰/۰۰۰۱	۰/۳۶۷	شخصیت ضد اجتماعی	
۱۵۰	۰/۲۰۸	۰/۱۰۳	شخصیت پارانوییدی	
۱۵۰	۰/۰۰۶	۰/۲۲۵	ضعف روانی	
۱۵۰	۰/۰۰۰۱	۰/۳۰۸	اسکیزوفرنی	
۱۵۰	۰/۰۱۳	۰/۲۰۲	هیپومانی	

همان طور که در جدول ۷ مشاهده می شود، عامل دوم یا نابسامانی خانواده با اختلالات شخصیت ضد اجتماعی، ضعف روانی، اسکیزوفرنی و هیپومانی رابطه مثبت معناداری دارد، اما با دیگر اختلالات علی‌رغم داشتن همبستگی مثبت ارتباط معناداری ندارد. به منظور تشخیص بهترین عامل پیش بینی کننده اختلالات روانی، تحلیل رگرسیون چند متغیری بین دو عامل به عنوان متغیرهای پیش بین و تک تک اختلالات روانی به عنوان متغیرهای ملاک انجام گرفت. نتایج مربوط به این تحلیلها در جدول ۸ نشان داده شده اند.

جدول ۸: نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری بین عوامل و اختلالات روانی
آزمودنیها با استفاده از روش چند مرحله ای

ضریب رگرسیون	نسبت F احتمال P	ضریب تعیین RS	ضریب همبستگی چند گانه MR	شاخص های آماري	
				متغیرهای ملاک	متغیر پیش بین
B=۰/۲۲۵ T=۲/۸۰۷ P=۰/۰۰۶	F=۰/۲۲۵ P=۰/۰۰۶	۰/۰۵۱	۰/۲۲۵	ضعف روانی	عامل دوم (نابسامانی خانواده)
B=۰/۳۶۷ T=۴/۷۹۷ P=۰/۰۰۰۱	۲۳/۰۱۲ F= P=۰/۰۰۰۱	۰/۱۲۹	۰/۳۶۷	شخصیت ضد اجتماعی	عامل دوم (نابسامانی خانواده)
B=۰/۳۰۸ T=۳/۹۳۸ P=۰/۰۰۰۱	۱۵/۵۱۱ F= P=۰/۰۰۰۱	۰/۰۹۵	۰/۳۰۸	اسکیزوفرنی	عامل دوم (نابسامانی خانواده)
B=۰/۲۰۲ T=۲/۵۳۱ P=۰/۰۱۳	F=۶/۳۱۳ P=۰/۰۱۳	۰/۰۴۱	۰/۲۰۲	هیپومانی	عامل دوم (نابسامانی خانواده)

همان طور که در جدول ۸ نشان داده شده است، از بین دو عامل مؤثر بر فرار دختران، عامل دوم یا نابسامانی خانواده پیش بینی کننده ضعف روانی، شخصیت ضد اجتماعی، اسکیزوفرنی و هیپومانی است. به عبارت دیگر، نابسامانی خانواده که یکی از عوامل فرار دختران از خانه است، یکی از عوامل اثرگذار بر اختلالات شخصیتی، بخصوص ضعف روانی، شخصیت ضد اجتماعی، اسکیزوفرنی و هیپومانی است.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل مؤثر بر فرار دختران و ارتباط این عوامل با برخی اختلالات روانی است. در پاسخ به سؤال تحقیق مبنی بر اینکه چه عواملی موجب فرار دختران از

خانواده می شوند، نتایج حاصل از تحلیل عاملی منجر به شناسایی دو عامل با عنوان انحرافات اجتماعی- اخلاقی به عنوان عامل اول و نابسامانی خانواده به عنوان عامل دوم گردید. همچنین نتایج نشان دادند که در عامل اول، ماده مهاجرت و جابه‌جایی محل زندگی خانواده بیشترین بار عاملی را به خود اختصاص داده و ماده مشاهده فیلم‌های ویدیویی و ماهواره‌ای در درجه دوم بیشترین بار عاملی را داشته است. در مقابل، اجبار برای ازدواج و طلاق والدین کمترین بار عاملی را داراست. در عامل دوم یا نابسامانی خانواده، ماده وجود درگیری و جر و بحث در خانواده، بخصوص بین والدین بیشترین بار عاملی را داشته و در درجه دوم ماده زیاد بودن جمعیت خانواده و عدم تأمین نیازهای فرزندان بیشترین بار عاملی را داراست. در این عامل، ماده دوستی با جنس مخالف کمترین بار عاملی را داراست. این نتایج با یافته‌های وایت بک، هویت و یودر (۱۹۹۹) که علت فرار را نابسامانی خانواده دانسته‌اند، همخوانی دارند. همچنین با نتایج تحقیق کید و کرال (۲۰۰۲) که علت فرار را داشتن احساساتی مانند طرد، بی ارزش بودن در خانواده و انزوا و فقدان کنترل بیان کرده‌اند نیز همخوانی دارند. این نتایج همچنین با یافته‌های محبی (۱۳۸۱) که علت فرار را به خشونت و تبعیض در خانواده و دادن آزادی مطلق یا محدودیت‌های بیش از حد نسبت داده‌اند، هماهنگی دارد. در مورد رابطه بین عوامل مؤثر بر فرار با برخی اختلالات روانی دختران فراری نتایج نشان داد که عامل اول یا انحرافات اجتماعی- اخلاقی تنها با اختلال اسکیزوفرنی رابطه مثبت معناداری دارد، در حالی که عامل دوم یا نابسامانی خانواده با اختلالات بیشتری، از قبیل شخصیت ضد اجتماعی، ضعف روانی، اسکیزوفرنی و هیپومانیا رابطه مثبت معناداری نشان می‌دهد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیری نشان دادند که عامل دوم یا نابسامانی خانواده بهترین پیش‌بینی‌کننده ضعف روانی، شخصیت ضد اجتماعی، اسکیزوفرنی و هیپومانیا است. این نتایج با یافته‌های روشنایی (۱۳۸۱) مبنی بر اینکه دختران فراری ضد اجتماعی، لجوج و گستاخ و دارای واکنشهای منفی نسبت به دیگرانند، همخوانی دارند. همچنین این یافته‌ها

با یافته های لوبر^۱ و دیشول^۲ (۱۹۸۳) لدینگهام^۳ و شوارتزمن^۴ (۱۹۸۴) و مک کارتی^۵، هاجان^۶ و مارتین^۷ (۲۰۰۲) که کتک کاری، آزار و توهین و کنترل شدید در خانواده و بی توجهی را عامل اختلال شخصیت ضد اجتماعی در بزرگسالی قلمداد کرده اند، همخوانی دارند. یافته های این پژوهش نیز با یافته های آزاد (۱۳۷۸) که انتقاد، خصومت و دخالت بیش از حد در امور شخصی و همچنین وجود حوادث فشارزا در خانواده را یکی از علل اختلال اسکیزوفرنی نشان داده اند، همخوانی دارند. در تبیین یافته های تحقیق می توان گفت که وجود جو عاطفی نامناسب در خانواده، از قبیل وجود درگیری بین اعضای خانواده، عدم توجه به خواسته های فرزندان و عدم ارضای نیاز به محبت، وجود تبعیض بین فرزندان و عدم احترام اعضا به یکدیگر، زمینه اختلالات روانی را در فرزندان فراهم می نماید و ادامه چنین جوی، منجر به فرار فرزندان بخصوص دختران از خانواده می گردد. حساسیت بیش از حد دختران و عاطفی بودن آنان نسبت به پسران میزان تحمل آنان را نسبت به ناملایمات کم نموده، سبب واکنش منفی جهت جلب توجه والدین و دیگر اعضای خانواده شده و در نتیجه منجر به فرار از خانواده به منظور یافتن محیطی امن و مطلوب از لحاظ عاطفی می گردد. از طرف دیگر وجود جو اخلاقی نامناسب در خانواده، زمینه انحراف فرزندان را فراهم می نماید. در نتیجه منجر به بی احترامی به شئونات خانواده و اجتماع می گردد که پیامد آن رشد شخصیت ضد اجتماعی در فرزندان می شود. بنابراین، برای انتقام جویی از والدین به دلیل عدم توجه به احساسات و عواطف فرزندان و فرار از سوء استفاده از آنان، خیابان را به خانواده ترجیح می دهند و اقدام به فرار می نمایند. با توجه به نتایج به دست آمده به مسؤولان و متوکیان مسائل خانواده توصیه می شود که قبل از ازدواج جوانان، صلاحیت زوجین از لحاظ اخلاقی، رفتاری و روانی بررسی شود و در صورت احراز شرایط لازم مجوز ازدواج داده شود. همچنین توصیه می شود که جهت ارشاد و راهنمایی والدین برای تربیت فرزندان و نحوه تعامل با آنها کلاس های آموزشی توسط سازمان های ذیربط دایر گردد. علاوه بر آن توصیه می شود که

-
1. Loeber
 2. Dishiol
 3. Ledingham
 4. Schwartzman
 5. McCarthy
 6. Hajan
 7. Martin

کلاس‌های آموزشی برای نوجوانان و جوانان در زمینه آموزش ابراز وجود، مهارت‌های اجتماعی و چگونگی مقابله با مشکلات دایر گردد و مراکز مشاوره‌ای و دیگر سازمان‌های مسؤول خانواده از طریق تبلیغ در رادیو و تلویزیون هشدارهای لازم را به خانواده در زمینه انحرافات اجتماعی به منظور پیشگیری از فرار فرزندان بدهند و آدرس این مراکز در اختیار اولیا و فرزندان قرار گیرد تا در صورت لزوم به آنها مراجعه شود.

منابع

- آزاد، حسین. (۱۳۷۸). **آسیب‌شناسی روانی**. تهران: انتشارات بعثت.
- اخوت، ولی اله و دانشمند، لقمان (۱۳۷۵). **ارزشیابی شخصیت**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- روشنائی، حیات. (۱۳۸۱). بررسی رابطه فرار دختران از منزل با وضعیت خانوادگی آنها، شیوه‌های فرزند پروری و میزان اعتماد به نفس آنان. **مجموعه خلاصه مقالات اولین همایش آسیب‌شناسی روانی دختران**، تهران.
- سلیمی، محمد و داوری، علی. (۱۳۸۰). **جامعه‌شناسی کجروی**. قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- صالح، علیرضا. (۱۳۸۱). مقایسه کودکان خیابانی و شبانه روزیهای تهران. مقاله ارائه شده در **اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی ایران**.
- صمدی راد، انور. (۱۳۸۱). بررسی عوامل خانوادگی و اجتماعی مؤثر بر فرار دختران از خانه. **مجموعه خلاصه مقالات اولین همایش آسیب‌شناسی روانی دختران**. تهران.
- فخرایی، فریبا. (۱۳۸۲). بررسی ویژگیهای روانشناختی اعم از هیجان طلبی، هوش، عزت نفس و هویت زنان فاحشه و مقایسه آن با زنان عادی. پایان نامه دکترای تخصصی روانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد.
- مارنات، گری گراث. (۱۹۹۰). **راهنمای سنجش روانی**. ترجمه پاشا شریفی، حسن و نیکخو، محمدرضا، (۱۳۷۵)، تهران: انتشارات رشد.
- مرکز مداخله در بحران سازمان بهزیستی استان کردستان. (۱۳۸۱). **جزوه فرار دختران از خانه**.

شناسایی عوامل مؤثر بر فرار دختران و بررسی رابطه این عوامل با اختلالات ... / ۱۱۹

محمدی، زهرا. (۱۳۸۳). *بررسی آسیبهای اجتماعی زنان در دهه ۱۳۸۰-۱۳۷۰*. انتشارات شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.

مجیبی، فاطمه. (۱۳۸۱). *آسیب شناسی اجتماعی زنان. فصلنامه کتاب زن*، شماره ۱۵، انتشارات شورای فرهنگی - اجتماعی زنان.

یاراحمدی، اردشیر (۱۳۷۶). *بررسی رابطه فشار روانی با بیماریهای جسمی و روانی و سلامت عمومی معلمان مرد شهرستان اهواز*، پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اهواز

Bos, A. B. (1994). *The disadvantaged urban child India*. Unisef. London,

Garbaeino, I. & Wilson. I. (1986). *The adolescencet runaway*, In J. Garbaeino. C. J. Schellnbach. J. M. Sebes(Eds). *Troubled youth troubled families: understanding families at risk for adolescent maltreatment*. New York: Aldine de Gruyter.

Chun, J. & Springer, D. W. (2005). Brief communication correlates of depression among runaway adolescents in Korea. *Child Abuse & Neglect*, 29, 1433- 1438.

DeMan, A. F. (2000). Predictors of adolescent running away behavior. *Social Behavior and Personality*, 28, 261-268.

Kaufman, J. G. & Widom, C. S. (1999). Childhood victimization, running away, and delinquency. *Journal of Research in Crime & Delinquency*, 36, 347-370.

Kidd, S. A. & Kral, M. J. (2002). Suicide and prostitution among street youth: A qualitative analysis. *Adolescence*, 37, 411-421.

Loeber, R., and dishiol, T. J. (1983). Early predictors of male delinquency: A review. *Psychological Bulletin*, 49, 68-99.

Ledingham, J. E. and Schwartzman, A. E. (1984). A 3-year follow-up of aggressive and withdrawn behavior in childhood: Preliminary findings. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 12, 157-168.

- McCarthy, B., Hajan, J, and Martin, M. J. (2002). In and out harms way: Violent victimization and the social capital of fifth street families. *Criminology*, 40. 831-866.
- Mundy, P., Robertson, M., Robertson, J., & Greenblatt, M. (1990). The prevalence of psychotic symptoms in homeless adolescents. *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 29, 724-731.
- Thrane, L. E., Hoyt, D. R., Whitbeck, L. B., & Youder, K. A. (2006). Impact family abuse on running away, deviance, and street victimization among homeless rural and urban youth. *Child Abuse & Neglect*, 30, 1117-1128.
- Waller, G. & Jody. M. (2006). Who Runs? A demographic profile of runaway youth in United States. *Journal of Adolescent Health*. 39, 778-781.
- Whitbeck, L. B., Hoyt, D. R. and Youder. K. A (1999). A risk amplification model of victimization and depressive symptoms among runaway and homeless adolescents. *American Journal of Community Psychology*. 27. 273-296.
- Whitbeck, L. B.; Johnson, K. D.; Hoyt, D. R. & Cauce, A. M. (2004). Mental disorder and comorbidity among runaway and homeless adolescents. *Journal of Adolescent Health*, 35(2), 132-140.